

اجتماعی

اعمال ما در ستاخیز جان مس گیرند (۲)

حتی دستگاه آفرینش بدن کسب اجازه و آگاهی ما و در حالی که ما کاملاً غافلیم فعل و انفعال هایی روی اعمال و کردارمان انجام می دهد و آنها آن چنان رشد می یابند که تصورش در شرایط حاضر برای ما امکان پذیر نیست.

با گردش زمان یک بذر به درختی تنومند و پر قدرت تبدیل می شود و عوامل گوناگونی که روی اسپرم ها کار می کنند، از انواع موجودات کوچک و بزرگ که دارای تنوع و حیرت آوری هستند، در مدل های مختلف به نظام هستی تحویل می دهند.

وقتی در همین دنیا یک الکیسم تا پایان عمر همه وجودش تحت تأثیر الکل قرار می گیرد و حتی روی فرزندان و ادامه نسلش تا یک دوره ی طولانی اثر مستقیم و نامطلوب می گذارد، چرا در سرای دیگر روپرو شدن همیشگی و دائمی انسان با کیفر و پاداش عملش باور نکردنی و غیر قابل تلقی می شود؟ و چرا عمل زودگذر نتواند انسان را برای همیشه سعادتمند یا تیره بخت سازد؟

هر چند تصور این امر و ماهیت قضیه هم اکنون برای ما دشوار است؛ ولی با در نظر گرفتن دانش رو به گسترش بشری که اینک دست به اختراعات شگفت انگیزی زده است، مسأله تا حدودی روشن خواهد شد.

هر چند تصور این امر و ماهیت قضیه هم اکنون برای ما دشوار است؛ ولی با در نظر گرفتن دانش رو به گسترش بشری که اینک دست به اختراعات شگفت انگیزی زده است، مسأله تا حدودی روشن خواهد شد.

محمد عبدالرحمن علی نیا اوزی



تهیه کننده: هادی صدیقی

یادمی از بزرگان اوزی

مرحوم استاد محمد عبدالرحمن علی نیا اوزی در سال ۱۳۰۵ در بندر لنگه در خانواده متوسطی به دنیا آمد. جد بزرگ وی ملقب به ملاعلی از مدینه مهاجرت کرد و با استادش شیخ حسن مدنی در جنوب فارس و در بندر نخیلو ساکن شد. او می گوید:

شیخ حسن مدنی به حکم اولی الامر خود به جهت جلوگیری و اخمداد افتنه وهاییه که سرتاسر سواحل فارس را به حیطه تزلزل افکنده بود، مأمور می گردید پس از طی مسافت و مشقت به نقطه ساحل خاک ایران که نخیلو باشد، می رسد و جد امجد من در خدمت شیخ سمت تلمیذ داشته است...

ملا علی سپس عازم اوز در نزدیکی لار می شود و در آنجا سکنی گزیدند. پس از گذشت چند سال ملا علی از اوز به بستک مهاجرت کرد و در آنجا مشغول تجارت شد ولی چندی بعد به سبب غارت اموالش توسط راهزنان و قتل برخی از دوستانش، ناگزیر به اتفاق خانواده از بستک به بندر لنگه مهاجرت کرد و در آنجا به کمک دوستان تجارت جدیدی را آغاز کرد که موفقیت آمیز بود و توانست در محله افغانیها خانه ای برای خود بنا کند. بعد از فوت پدر بزرگ، پدر استاد محمدعلی نیا فعالیت تجاری خانواده را در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

تحصیلاتش را در مدرسه بندر لنگه به پایان رساند و در سال ۱۳۳۰ عازم بمبئی شد

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

وی تحصیلاتش را در مدرسه محمدی بندر لنگه به پایان رساند. در سال ۱۳۲۰ برای نخستین بار عازم بمبئی شد: «... ناگاه وسایل عامل خیالات گردید. از فکر عزم به سیغه جزم میل گردید و در دم استعداد سفر گرفته و اولین سفر دور از وطن خود اختیار کردم...» بعدها در سن جوانی عازم دبی شد و به مدت دوازده سال با او معاشرت کرد. استاد محمد علی نیا در دست گرفت. استاد محمد علی نیا در همین خانه به دنیا آمد.

به نسبت فاصله ای که با آن کره دارد، پس از گذشت سال ها به آنجا می رسد، در این صورت خواهیم توانست کردار گذشته خود و سایرین را پس از گذشت سال های طولانی عیناً مشاهده کنیم.

همچنان که امروز برخی از ستارگانی که در دیدگاه ما قرار دارند و نورافشانی می کنند، قرن ها است متلاشی و محو شده و هیچ اثری از آنها باقی نیست، در عین حال به علت بعد مسافتی که با کره زمین دارند، نور آن هم اکنون به ما می رسد و آن را در حال تولُّوُ و نورافشانی می بینیم. پس با توجه به نسبی بودن سطح اشیه تا مسای پیدا می کنند و نمی توانند به باطن امور راه یابند بدین سبب در نظام این جهان، اعمال انسان که به سود یا زیانش ضابط می شوند، برای وی قابل حس نیستند؛ اما در جهان آخرت که تمام نهان ها آشکار و همه چیز بارز و روشن می گردند با گوشه شدن کتاب اعمال هر کس جریان کردار خود را آشکار می یابد. قرآن که خود آفتاب کننده فخر و شکوه حقیقت است، طی آیاتی به بیان رویدادهای آن روز می پردازد و می فرماید: «آری آن چه که از پیش بر آنها پنهان بود آشکار می گردد.»^(۱)

معجزینی که در بند شهوات و ارضیه یا ضحیه می گویند بدین لحاظ روز دهم ذی الحجّه را «عید اضحی» نامیده اند، خاقانی می سراید: گفتند کدام عید نه اضحی بود نه فطر برون از این دو عید چه عید است دیگرش؟ قربانی از زمان حضرت آدم ابوالبشر(ع) معمول بوده است. به طور مثال: ۱- قربانی فرزندان حضرت آدم(ع)؛ یعنی هابیل و قابیل به امر پدرشان قربانی کردند که هابیل یکی از بهترین شتران را و قابیل دسته ای از گندم نامرغوب را که قربانی هابیل مورد قبول واقع نشد و این موضوع حسادت قابیل را برانگیخت و برادرش را کشت، ۲- حضرت نوح پس از طوفان، حیوانات بسیاری را برای خدا قربانی کرد، ۳- قربانی حضرت ابراهیم

سخنان «دالای لاما»

*هر روز مجالی را برای صرف خلوت کردن کن.
*آغوشت را به سوی دگرگونی بگشای اما از ارزش های خود دست بر ندار.
*به یاد داشته باش خاموشی گاهی بهترین پاسخ است.
*نیکو و آبرومند زندگی کن. آنگاه به وقت سالخوردگی هنگامی که به گذشته بیندیشی از زندگی ات دگر بار لذت خواهی برد.
*فضای عشق در خانه تو شالوده ای ست برای زندگی ات.
*در ناسازگاری ها با افراد مورد علاقه ات تنها به وضعیت فعلی خود بپرداز. گذشته را بزرگ نکن.
*دانش خود را تسهیم کن که طریقی برای دستیابی به جاودانگی است.
*با زمین مهربان باش.
*سالی یک بار به جایی برو که پیشتر هرگز آنجا نبوده ای.
*کامیابی خود را به داوری بنشین. از آن طریق که بدانی چه و گذارده ای تا کامیابی را به دست آوری.

دبر؛ عبدالقادر فقیهی

قربان چیست؟ قربان کارهای نیکی است که انسان به وسیله آن خود را به رحمت خداوندی نزدیک می کند. از جمله اعمالی که حجاج در روز دهم ذی الحجّه در سرزمین منا و پس از رمی جمره عقبه انجام می دهند، کشتن شتر، گاو و یا گوسفند و اتفاق آن به مستحقین است تا به وسیله این عمل نیک به رحمت پروردگار نزدیک شوند؛ که نام این عمل را قربان می گذارند و در زبان فارسی «ی» به آن اضافه کرده و نامش را قربانی می گذارند. به عید قربان «عید اضحی» نیز می گویند و وجه تسمیه آن چنین است: اضحی جمع «ضحی» است و معنی آن ارتفاع روز و امتداد نور آفتاب است و هنگامی که خورشید بالا می آید (قبل از ظهر) را ضحی گویند و چون حجاج موقع بالا آمدن آفتاب قربانی می کنند و قربانی عید قربان، عید قربانی کردن بدی ها، قربانی کردن خشونت و قربانی کردن نفس اماره است.

را ارضیه یا ضحیه می گویند بدین لحاظ روز دهم ذی الحجّه را «عید اضحی» نامیده اند، خاقانی می سراید: گفتند کدام عید نه اضحی بود نه فطر برون از این دو عید چه عید است دیگرش؟ قربانی از زمان حضرت آدم ابوالبشر(ع) معمول بوده است. به طور مثال: ۱- قربانی فرزندان حضرت آدم(ع)؛ یعنی هابیل و قابیل به امر پدرشان قربانی کردند که هابیل یکی از بهترین شتران را و قابیل دسته ای از گندم نامرغوب را که قربانی هابیل مورد قبول واقع نشد و این موضوع حسادت قابیل را برانگیخت و برادرش را کشت، ۲- حضرت نوح پس از طوفان، حیوانات بسیاری را برای خدا قربانی کرد، ۳- قربانی حضرت ابراهیم

را ارضیه یا ضحیه می گویند بدین لحاظ روز دهم ذی الحجّه را «عید اضحی» نامیده اند، خاقانی می سراید: گفتند کدام عید نه اضحی بود نه فطر برون از این دو عید چه عید است دیگرش؟ قربانی از زمان حضرت آدم ابوالبشر(ع) معمول بوده است. به طور مثال: ۱- قربانی فرزندان حضرت آدم(ع)؛ یعنی هابیل و قابیل به امر پدرشان قربانی کردند که هابیل یکی از بهترین شتران را و قابیل دسته ای از گندم نامرغوب را که قربانی هابیل مورد قبول واقع نشد و این موضوع حسادت قابیل را برانگیخت و برادرش را کشت، ۲- حضرت نوح پس از طوفان، حیوانات بسیاری را برای خدا قربانی کرد، ۳- قربانی حضرت ابراهیم

صبح ها حتما مسواک بزنید

وقتی ما مدرسه می رفتیم، معلم به ما می گفت شب ها قبل از خواب و صبح ها پس از صرف صبحانه مسواک بزنید، ولی حالا معلمان می گویند شبها قبل از خواب و صبح ها قبل از صرف صبحانه مسواک بزنید. معلمان از قول اطبا می گویند: براق دهان در شب به دلیل بی حرکتی غلیظ و اسیدی تر می شود و مینای دندان را خراب می کند. پس باید صبح ها قبل از خوردن صبحانه حتما مسواک بزنیم. یادتان باشد که مسواک زدن باید حداقل ۵ دقیقه طول بکشد و سعی کنید تمام ۳۲ دندان را تمیز کنید. البته به مسواک قانع نباشید پس از مسواک کردن به کمک نخ دندان بین دندان ها را که شاید مسواک نتوانسته تمیز کند با نخ تمیز کنید.

بازنشستگی و سالمندی یک ارزش است

از نظر روانشناسان روحیه عکس العملی عاطفی و ذهنی است که شخص نسبت به محیط کار خود دارد. بنابراین، روحیه نوعی برداشت افراد و گروه کارکنان از محیط سازمان است که ممکن است مثبت یا منفی باشد. کسی دارای روحیه مثبت است که از وضع موجود راضی و از نظر روحی در آرامش است، روحیه منفی هم از آن کسی است که در گفتار و کردارش ناراضی، ناامیدی و بی اعتمادی مشاهده می گردد. همیشه لب به شکایت گشودن، بی میلی و بی علاقهگی به همکاری افزایش اضطراب و نگرانی، نشانه هایی از روحیه منفی است. بر عکس آن نشاط، شوق به همکاری، تقویت اعتماد و حفظ احترام به خود و دیگران نشانه هایی از روحیه مثبت است. حال اگر بخواهیم این وضعیت را به بازنشستگان ربط



بدهیم مشاهده خواهیم کرد که اگر سازمان از کیفیت کافی برخوردار باشد، نیروهایی که در آن مشغول فعالیت می شوند با امید به این که در آینده پس از سال ها خدمت، سازمان می تواند پاسخگوی انتظاراتش باشد، امنیت خاطر خواهد داشت. سازمان هم برای آن که به اثر بخشی و کارآیی فراگیر برسد، تلاش می کند خواسته های کارکنان را حتی در دوران بازنشستگی برآورده کند. خوشبختانه قوانین مملکت مان طوری است که اکثر ادارات و سازمان ها بر این روال می چرخند کارکنان خود را بعد از خدمت و در زمان کهولت همچنان با خود داشته باشند و با پرداخت حق تقاعد کاری کنند که سال های باقیمانده از زندگی بازنشستگان این است که پس از سپری کردن دوران جوانی و خدمت شایسته سی و چهار ساله که با افت و خیزهای فراوان مواجه شده اند بقیه عمرشان راحت بگذرد و دغدغه خاطر نداشته باشند. برای رسیدن به این هدف: اولاً باید به افراد بازنشسته و خانواده شان آموزش لازم را داد تا بتوانند دوران تقاعد را شناخته و همف کنند و ساعات و روز و ماهشان را با شیرینی و شادی سپری کنند.

ثانیاً سازمانی که مسئول است هوای بقیه روزگار و خرج و دخل بازنشسته را داشته باشد. اگر مشاهده نمودند که مثلا با حقوق معینه روزگار متقاعد به درستی نمی گذرد، به طریقی به آنان کمک مالی داده شود و برای تغییر روحیه و شاد زیستن، سفرهای داخل و خارج از مملکت معین کنند که با صرف مبلغی کم اوقات خود را در آنجاها و در آن سفرها بگذرانند و آرزوی دیرینه شان که تا آن روز در دل شان جای داده بودند با انجام آن سفرها و دیدنی ها جامعه عمل ببوشد. ثالثاً قدر تجربیات بازنشستگان شناخته شود. زیرا آنچه آموخته اند بهای عمرشان است و می خواهند به جامعه هدیه کنند. افراد جامعه نیز می بایست با اشتیاق پذیرای آن باشند و در همه حال و همه جا به آنها احترام گذارند زیرا به گفته دکتر جهانگیر کرمی بازنشستگی ضد ارزش نیست، یک ارزش است.

قصه نوه و پدر بزرگ

پیرمردی بود که با پسر، عروس و نوه اش در خانه ای زندگی می کرد.



چشم های پیرمرد ضعیف شده بود و خوب نمی دید. گوش هایش ضعیف شده بود و خوب نمی شنید، زانوهایش هم موقع راه رفتن می لرزید. وقتی که سر میز غذا می نشست از ضعف و بیبری قاشق در دستش نمی لرزید و غذا روی میز می ریخت. حتی وقتی که لقمه در دهانش می گذاشت غذا از گوشه دهانش بیرون می ریخت و منظره زشتی بوجود می آورد. هر بار پسر و عروسش با دیدن غذا خوردن او حالشان بد می شد. تا اینکه روزی تصمیم گرفتند پدر بزرگ در گوشه ای پشت اجاق بنشینند و آنجا غذایش را بخورد.

از آن روز غذای پیرمرد را در یک کاسه کوچک و گلی می ریختند. غذای او آنقدر کم بود که هیچ وقت سیر نمی شد. در نتیجه وقتی که غذایش تمام می شد با حسرت به میز نگاه می کرد و چشم هایش از اشک پر می شد. روزی لرزش دست پیرمرد به حدی بود که کاسه از دستش افتاد و شکست. عروس جوان ناراحت شد و حرف های زشتی به او زد؛ ولی پیرمرد چیزی نگفت و فقط آه کشید. بعد برای پیرمرد یک کاسه چوبی خریدند. پیرمرد شکایتی نکرد و هر روز توی آن غذا می خورد. روزها آمدند و رفتند. تا اینکه روزی زن و شوهر نشستند بودند و با هم حرف می زدند، پسر کوچولو چند تکه تخته روی زمین گذاشته بود و سعی می کرد آنها را به هم وصل کند. پدر پرسید: «چکار می کنی پسرم؟» پسر جواب داد: «می خواهم یک کاسه چوبی درست کنم تا وقتی که تو و مادر پیر شدید؛ غذای شما را توی آن بریزم و جلویتان بگذارم.» زن و مرد به هم نگاه کردند و ناگهان بغضشان ترکید. به این وسیله آنها به خود آمدند و روز بعد، پدر بزرگ پیر را سر میز آوردند تا همه با هم غذا بخورند. از آن روز به بعد، اگر دست پیرمرد می لرزید و غذا را می ریخت، کسی به او حرفی نمی زد.

همپرا نامدار